چشم‌انداز

جهان متفاوت پس از تهاجم تل‌آویو به غزه

■ استفن والت / Stephen M. Walt

آیا تازه‌ترین جنگ غـزه، پیامدهایی دوررس خواهد داشـت؟ فکر می‌کنم بـه عنوان یک قاعده، رخدادهای مغایر و متقابل ژئوپلتیک معمولاً از سـوی انواع مختلفـی از نیروهای متقابل به موازنه می‌رسند و رخدادهای یک بخش کوچک از جهان، پژواک گسـترده‌ای در دیگر جاها دارد. بحران‌هـا و جنگ‌ها رخ می‌دهند، اما معمولاً ذهن‌هـای آرام‌تر غلبه می‌یابند و پیامدهای‌شان را محدود می‌کنند، با این حال، همیشـه اینگونه نیسـت و شاید جنگ کنونی در غزه یکی از این استثناها باشد، البته من فکر نمی‌کنم ما در آستانه جنگ سوم جهانی هسـتیم، حتی در واقع شـگفت‌زده خواهم شد اگر جنگ جاری، به یک درگیری گسترده‌تر منطقه‌ای هم تبدیل شود، حتی اگر جنگ در همین محدوده غزه باقی بماند و به زودی هم پایان بگیرد، پیامدهای چشمگیری در اطراف جهان خواهد داشت.

مهم اسـت موقعیت کلی ژئوپلتیکی جهان، درست پیش از حمله غافلگیرانه هفتم اکتبر حماس را به یادآوریم. پیش از حمله حماس، امریـکا و متحدانـش در ناتـو، در حال یک جنگ نیابتی علیه روسیه در اوکراین بودند. هدف‌شان این بود که اوکراین بتواند روسیه را از قلمروهایی که پس از فوریه ۲۰۲۲ تسخیر کرد، بیرون براند و روسـیه را تا جایی ضعیف کند که قادر به چنان کاری در آینده نباشد، اما جنگ بـه خوبی پیش نرفـت؛ ضدحمله تابستانی اوکراین متوقف شد و به نظر می‌رسد موازنه قدرت نظامی به تدریج به سود روسیه چرخش می‌کنـد و امیدها بـه اینکه کی‌یف بتوانـد قلمروهای ازدسـت‌رفته‌اش را چه با زور سـلاح یا از گذر گفت‌وگو پـس بگیرد، رنگ می‌بازد.

همچنین امریکا عملاً جنگی اقتصادی را علیه چین به راه انداخته بود که هدفش جلوگیری از سلطه چین بر قله‌های هدایت‌کننده تولیدات نیمه‌رسانا، هوش مصنوعی، رایش کوآنتومی و دیگر زمینه‌های فناوری پیشرفته است.

در خاورمیانه دولت بایدن تلاش داشت یک هدف دشوار دیپلماتیک را بزند؛ می‌خواست عربستان را از نزدیک‌شدن به چین منصرف کند و شـکلی از تضمین امنیتـی به ریاض بدهد و احتمالاً هم به سـعودی‌ها اجازه دهد به فناوری حساس هسته‌ای دسترسی یابند تا ریاض روابطش را با اسرائیل عادی کند، سپس حمله هفتم اکتبر رسید.

■ **بازگشت از «بازگشت از خاورمیانه»**

حالا برسیم به پیامدهای این تراژدی ادامه‌دار برای ژئوپلتیک و سیاسـت خارجـی امریکا. نخست اینکه این جنگ، مانع مهمی بر سر راه تلاش‌های امریکا برای عادی‌سازی سعودی-اسرائیلی گذاشت، البته چه بسا که این مانع همیشـگی نباشـد، چراکه انگیزه‌های اولیه پشـت این توافق، هنوز پابرجا مانده و پس از جنگ غزه هم برقرار خواهد بود.

دوم، این جنگ بـا تلاش‌های امریـکا برای کاهش هزینه زمان و توجه خود در خاورمیانه و تمرکز توجه و تلاش خود بر شرق آسیا مداخله خواهد داشت. اینجا مسئله عرض باند مطرح است: هر روز، تنها ۲۴ساعت دارد و هر هفته هم هفت روز و جو بایـدن و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌اش به همراه دیگر مقام‌های ارشد امریکایی نمی‌توانند هر چنـد روز یک بار به اسرائیل و کشورهای خاورمیانه پرواز کنند و باز هم وقت و توجـه کافی برای جاهای دیگر داشته باشـند. جنگ اخیر خاورمیانه، برای تایـوان، ژاپن، فیلیپین یا هر کشـور دیگری که با فشـار فزاینده چین روبه‌رو است، خبر خوبی نیست. مشـکلات اقتصادی چین هم مانع اقدامات جسورانه پکن علیه تایوان یا در محدوده دریای‌جنوبی چین نشده است.

سـوم، جنگ غزه برای اوکرایـن یک فاجعه اسـت. جنگ غزه بر عرصه رسـانه‌ای سایه انداخته و کار جلب حمایت از بسته تازه کمک امریکا به اوکراین را دشـوارتر کرده اسـت. جمهوریخواهان مجلس نمایندگان به تردید افتاده‌اند. مشـکل از این هم بزرگ‌تر اسـت. منازعه در اوکراین به یک جنگ فرسایشـی بی‌پایان تبدیل شده و این یعنی توپخانه، نقش اصلی را در میدان نبـرد بازی می‌کند. امریکا و متحدانـش قادر به تولید سـازوبرگ کافی توپخانه برای رفع نیازهای اوکراین نبوده‌اند و واشینگتن مجبور شده اسـت از ذخایرش در کره‌جنوبی و اسرائیل برداشت کند تا توان جنگی اوکراین حفظ شود. اکنون که اسرائیل در حال جنگ اسـت، نیاز به گلوله‌های توپ و دیگر مهماتی دارد کـه در غیر این صورت به اوکراین می‌رفت. همچنیـن اگر اوکراین سرزمین‌های بیشتری را از دست بدهد، بایدن چه کار خواهد کرد؟

> جنگ غزه با تلاش‌های امریکا برای کاهش هزینه زمان و توجه خود در خاورمیانه و تمرکـز توجه و تلاش خود بر شـرق آسـیا تضاد خواهد داشت، چراکه بایدن، بلینکن و دیگر مقام‌های ارشد امریکایی نمی‌توانند چنـد روز یـک بار بـه اسـرائیل و کشـورهای خاورمیانـه پـرواز کنند و باز هم وقـت و توجـه کافی برای جاهای دیگر داشـته باشند

■ **تضعیف اتحاد دموکراسی‌های جهان**

جنگ غزه، خبر بدی بـرای اتحادیه اروپایی است. یورش روسیه به اوکراین، به رغم برخی فرسایش‌های خفیف، همبستگی اروپایی را افزایش داد و به حاشیه رفتن حزب خودکامه و گسسـت‌آور «قانون و عدالت» در انتخابات اخیر لهسـتان هم یک نشـانه دلگرم‌کننده است، اما جنگ غزه، شکاف‌های اروپا را دوباره باز کرد چراکه برخی کشـورها بـه حمایت بی‌پروا از اسرائیل روی آورده‌اند و برخی دیگر همدلی بیشـتری برای فلسـطینی‌ها نشان می‌دهند (البته نه برای حماس). هر چه این جنگ بیشتر ادامه یابد، این شکاف‌ها بیشتر می‌شود و ضعف دیپلماتیک اروپا، اگر نگوییم بی‌خاصیتی‌اش را بیشتر نمایان خواهد کرد و نیز به تضعیف یک هدف بزرگ‌تر، یعنی اتحاد دموکراسی‌های جهان در چارچوب یک ائتلاف نیرومند و مؤثر خواهد انجامید.

اینها خبرهای بدی برای غـرب اما خبرهای بسیار خوبی برای روسـیه و چین هستند. از چشـم‌انداز آنها، هر چیزی کـه توجه امریکا را از اوکراین و شرق آسیا منحرف کند، اتفاق خوبی اسـت، به ویژه وقتی که آنهـا بتوانند کناری بنشینند و شاهد افزایش آسیب باشند. این جنگ همچنین توجیه خوبی در اختیار مسکو و پکن به سود نظام چندقطبی‌ای قرار می‌دهد که دیرزمانی اسـت آن را علیه نظم تحت رهبری امریکا علم کرده‌اند. همه کاری که آنها باید انجام دهند این است که به دیگران گوشزد کنند امریکا در ۳۰سال گذشته قدرت بزرگ اصلی‌ای بـوده که خاورمیانـه را اداره کرده و نتایجش یک جنگ فاجعه‌بار در عراق، یـک توانمندی هسـته‌ای پنهـان در ایران، ظهور دولت اسـلامی، یک فاجعه انسانی در یمن، آشـوب در لیبی و شکست فرایند صلح اسلو است. آنها می‌توانند حملات خشونت‌بار حماس در هفتم اکتبر را هم به این فهرست اضافـه کنند تـا نشـان دهند واشـینگتن حتی نمی‌تواند نزدیک‌تریـن متحدش را از رخدادهای دهشتناک در امان بدارد.

در نگاه به جلوتر، این جنگ و واکنش امریکا به آن تا مدت‌ها همچون سـنگ آسیابی بر گردن دیپلمات‌های امریکایی آویزان خواهد ماند. مردمانی که خـارج از محدوده راحت جامعه فراآتلانتیک هستند، از نگاه گزینشی غرب آزرده‌اند. یک جنگ تازه در خاورمیانه درگرفته و رسـانه‌های غربـی همه ظرفیت خود را به آن اختصاص داده‌اند و روزنامه‌های گران‌قیمت صفحات بی‌شماری را با گزارش‌ها و تفاسیر آن پر کرده و شبکه‌های تلویزیونی ساعت‌ها وقت آنتن خود را به رخدادهای آن اختصاص می‌دهنـد، اما درسـت در همان هفته‌ای که این جنگ رخ داد، سـازمان ملل گزارش داد حدود ۷میلیون نفر در جمهوری دموکراتیـک کنگـو، عمدتاً بـه خاطر بروز خشونت، بی جا شـده‌اند. این گزارش کمتر توجهی را به خود جلب کرد، هرچند شـمار انسان‌هایی که بی جا شدند، از شمار قربانیان در اسرائیل یا غزه بیشتر بود.

دست آخر اینکه، این رخداد نامیمون، شهرت امریکا بـه توانمندی در سیاسـت خارجی را صیقل نمی‌دهد. ناکامی بنیامین نتانیاهو در حفاظت از اسـرائیل شاید شـهرتش را برای همیشـه لکه‌دار کند اما دسـتگاه سیاسـت خارجی امریکا هم نتوانست ببیند که چنین خونریزی‌ای در راه است و واکنشش تا به امروز هم چندان کمکی نکرده است.

فارین پالیسی، یازدهم نوامبر ۲۰۲۳

تلخیص و ترجمه: معاونت مطبوعاتی

دیپلماسی

تکانه‌های هفتم اکتبر به اتحاد استراتژیک

■ دکتر سیدرضا میرطاهر

بـه رغـم همراهـی کامـل ایالات‌متحـده با رژیم‌صهیونیسـتی در جنگ غـزه، رفتار مقامـات تل‌آویـو نشـان می‌دهد ارزشـی برای ایـن هم‌پیمان اسـتراتژیک خود قائل نیسـتند. «جو بایدن» رئیس‌جمهور امریکا در ۱۶آبان از «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیسـتی خواسـت به منظور حل موضوع اسـرا، درگیری‌ها به مدت سـه روز متوقف شود. ظاهراً بایدن معتقد است توقف سه روزه می‌تواند به آزادی برخی گروگان‌ها در غزه کمک کند، اما نتانیاهو درخواست بایدن را برای توقف سه روزه جنگ رد کرد. او همچنین با تأکید بر ادامه جنگ اظهار کرد که «تا پایان مأموریت نابودی حماس به صبر نیاز داریم و پیروزی را نیمه‌تمام نمی‌خواهیم.»

مخالفت آشـکار نتانیاهو با درخواست بایدن بـرای آتش‌بـس سـه روزه نشـان می‌دهد رژیم‌صهیونیسـتی حتی برای نزدیک‌ترین متحد خـود، یعنی امریکا نیـز کوچک‌ترین ارزشی قائل نیست و صرفاً در راستای اهداف مدنظر خود از امریکایی‌ها اسـتفاده می‌کند. در حالی که بایدن در اوایـل جنگ غزه و زیر راکت‌باران تل‌آویو از سوی حماس به فلسطین اشغالی برای دیدار و اعلام حمایت از نتانیاهو و اعلام تعهد واشینگتن برای صیانت از اسرائیل سفر کرد اما نخسـت‌وزیر رژیم‌صهیونیستی حتی حاضر به قبول یک خواسـته نه‌چندان اساسی رئیس‌جمهور امریکا یعنی آتش‌بس سه روزه با هدف آزادی اسرا نشده است.

به نظر می‌رسد این مسئله می‌تواند به نقطه آغازی برای اختلاف جدیـدی بین بایدن و نتانیاهو تبدیل شـود. روابط این دو از زمان ورود بایدن به کاخ سـفید روابطی سرد بوده اسـت و رئیس‌جمهور امریکا عملاً از دعوت از نتانیاهو بـرای دیدار دوجانبـه خودداری کرده بـود، در نهایت نیز این دو در حاشـیه نشست سـالانه مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰سـپتامبر با یکدیگر ملاقـات کردند. این دو سیاسـتمدار با اینکه از مدت‌ها پیش آشنایی دیرینه‌ای دارند اما مناسبات دشواری را با ورود بایدن به کاخ سفید تجربه کرده‌اند.

بایدن بارها از دولت «راست‌گرای نتانیاهو» انتقاد کرده است. عدم‌دعوت رسمی نتانیاهو به کاخ سـفید از جانـب جو بایدن نشـانگر نارضایتـی دولت امریـکا از سیاسـت‌های کابینه نتانیاهـو از جمله «تغییرات قضایی» بود، ضمـن اینکه دولت بایـدن پیش از این از گسـترش شهرک‌سـازی‌ها در اراضـی اشـغالی ۱۹۶۷ از سـوی رژیم‌صهیونیستی انتقاد کرده اما در عمل هیچ اقدام یا فشاری بر تل‌آویو برای توقف این روند وارد نکرده است، البته این امر را باید به خاطر داشت که روابط امریکا و اسـرائیل روابطی استراتژیک بوده و واشـینگتن همواره در قامت حامی بی‌قید و شرط رژیم‌صهیونیسـتی ظاهر شده است، کما اینکه از زمان آغاز عملیات طوفان‌الاقصی و حملات متعاقـب آن به نوار غـزه از جانب اسـرائیل، دولت بایدن با برقراری پل هوایی اقدام بـه ارسـال مقادیر زیـادی از مهمات هدایت‌شونده برای بمباران غزه کرده است. اکنون واشینگتن در اقدامی جدید قصد دارد بمب‌های نقطه‌زن به ارزش ۳۲۰میلیون دلار به اسـرائیل ارسـال کند. این اقدام با هدف کشتار هر چه بیشـتر و حملات بسیار دقیق علیه اهداف مختلف در نوار غزه از سوی نیروی هوایی رژیم‌صهیونیستی صورت می‌گیرد.

مسـئله دیگر اینکه برای نخسـتین بار ارائه کمک به رژیم‌صهیونیستی در کنگره امریکا و کاخ سـفید با مانع جدی مواجه شده است. جمهوری‌خواهـان در مجلـس نمایندگان امریکا خواهان تفکیک قائل‌شـدن در کمک به اسرائیل و اوکراین هسـتند و در این راستا طرح کمک ۱۴/۳میلیارد دلاری به اسرائیل را به رغـم تهدید بایدن به وتـوی آن به طور مسـتقل تصویب کردند. در حالی که بایدن پیش از این بسـته کمک مالی ۱۰۶میلیارد دلاری را به کنگره ارائه داده که از جمله شامل کمک ۶۱/۷میلیارد دلاری به اوکراین و کمک ۱۴/۳میلیـارد دلاری به رژیم‌صهیونیسـتی می‌شود. طرح جمهوری‌خواهان نهایتاً در سنا که دموکرات‌ها در آن اکثریت دارند تصویب نشـد، البته اگر این طرح در سنا نیز تصویب می‌شد، کاخ سفید آن را وتو می‌کرد.

■ **انکار وقوع نسل‌کشی در نوار غزه**

با گذشت هفت هفته از جنگ غزه از زمان آغاز عملیات «طوفان‌الاقصی»، رژیم‌صهیونیستی که در حال اجرای عملیـات زمینی در نوار غزه علیه رزمندگان حماس اسـت، حملات هوایی را علیه مناطق مسکونی شـدت بخشیده و به کشتار گسترده مردم مظلوم نوار غزه پرداخته اسـت. با اینکه شـمار شهدای فلسـطینی از ۱۱هزار نفر و شـمار زخمی‌ها نیـز از ۲۷هزار نفر فراتر رفتـه و بخش قابل ملاحظـه آنها را کودکان و زنان تشـکیل می‌دهند اما امریکا به عنوان حامی اصلی و بی‌قید و شـرط اسرائیل در ادعایـی عجیب منکر وقوع نسل‌کشـی در نوار غزه از سوی رژیم‌صهیونیستی شده است. جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در حمایت از جنایات صهیونیست‌ها علیه فلسطینی‌ها مدعی شد آنچه در غزه رخ می‌دهد، نسل‌کشی نیسـت. کربی گفت: نمی‌توانید به تحولات غزه نگاه کنید و بگویید که این اتفاقات مطابق تعریف نسل‌کشی است. وی ادعا کرد که واژه «نسل‌کشی» «یک روش غیرمسئولانه برای توصیف این تحولات» است.

بایـد از ایـن مقـام امریکایـی پرسـید که رژیم‌صهیونیسـتی که به بهانه دفاع خود به کشـتار بی‌سـابقه مردم نوار غزه پرداخته و در این زمینه از حمایت کامـل دولت بایدن و کنگـره ایالات‌متحده نیز برخوردار اسـت، باید دیگر چـه جنایتی علیه فلسـطینی‌ها صورت دهـد تا مصـداق جنایـت جنگی و نسل‌کشی محسوب شـود؟ همچنین ادعای کربی درباره عدم وقوع نسل‌کشی در نوار غزه در حالی مطرح شـده که حتـی وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) نیز به وقوع کشتار گسترده فلسـطینی‌ها اذعان کـرده اسـت. پاتریک رایدر، سـخنگوی پنتاگون سـرانجام پس از یک مـاه از آغاز درگیری‌ها میـان گروه‌های مقاومت فلسـطینی و اسـرائیل به کشته و مجروح‌شدن هزاران غیرنظامی در نوار غزه از سوی تل‌آویو در تلافی عملیات طوفان‌الاقصی اعتراف کرد. پاتریک رایـدر گفت: «در مورد تلفات غیرنظامیان در غـزه باید بگویم که ما می‌دانیم که تعـداد آنها هزاران نفر اسـت.» نیـروی هوایـی رژیم‌صهیونیسـتی تاکنون ۳۵هزار تن یعنی بیش از دو برابر قدرت بمب اتمی هیروشـیما انواع بمب و مهمات را علیه اهـداف مختلف در نوار غـزه پرتاب و منفجر کرده است. شـدت جنایات اسـرائیل علیه فلسـطینی‌ها حتی اعتـراض برخی مقامات ارشـد اروپایی را برانگیخته است. «کارولین جنیز» وزیر همکاری‌های بین‌المللی بلژیک گفت: «اسرائیل باید به دلیل ارتکاب جنایات جنگی مورد تحقیق قرار گیرد و همه شواهد به این امر اشاره دارد.»

نکته مهم اینکه به رغم موضع‌گیری جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی و مقامـات دولت او در حمایت بی‌قید و شرط و همه‌جانبه از اسرائیل و تلاش برای مقصر جلوه‌دادن فلسـطینی‌ها به ویژه حماس در شکل‌گیری جنگ کنونی در غزه، اما حتـی سیاسـتمداران امریکایی نیز خود به خوبـی از ماهیـت تجاوزگرانه و تهاجمی رژیم‌صهیونیستی و ظلم چنددهه‌های صهیونیسـت‌ها علیـه فلسـطینی‌ها که با کشـتار و غصب اراضـی آنها تاکنـون تداوم یافته اسـت، آگاه بوده و به انتقـاد از این امر پرداخته‌انـد. کارمنـدان وزارت امور خارجه امریکا در یادداشـتی از نحوه مدیریت جنگ رژیم‌صهیونیسـتی و حماس از سوی دولت امریکا انتقاد و اعلام کردند دولت بایدن باید به صورت علنی از اسرائیل انتقاد کند.

رویکرد ناعادلانـه و طرفدارانـه دولت بایدن از رژیم‌صهیونیسـتی موجـب شـده برخی سیاستمداران مسـتقل امریکایی و نیز جناح پیشـرو حزب دموکرات انتقـادات زیادی از رویکرد حمایتگرانـه دولت بایـدن در قبال رژیم‌صهیونیستی مطرح کنند. رشیده طلیب، عضو دموکرات مجلس نمایندگان امریکا گفت: جو بایدن در جنگ غزه از «نسل‌کشی» علیه فلسـطینی‌ها حمایت کرد و امریکایی‌ها این موضوع را در انتخابات سـال ۲۰۲۴ فراموش نخواهند کرد. به رغم ایـن موضع‌گیری‌های انتقادی اما دولت بایدن و کنگره امریکا همچنان به حمایت همه‌جانبه از رژیم‌صهیونیستی ادامه می‌دهند. می‌توان پیش‌بینی کرد تشدید این اختلافات داخلی می‌تواند سیاستگذاری دولت بایدن در قبال منطقه را دشوارتر کند.

> مخالفـت آشـکار نتانیاهـو بـا درخواسـت بایـدن بـرای آتش‌بـس سـه روزه نشـان می‌دهـد رژیم‌صهیونیسـتی حتـی بـرای نزدیک‌تریـن متحـد خـود، یعنـی امریـکا نیز کوچک‌تریـن ارزشـی قائل نیست

چالش

«طوفان‌الاقصی» موج مهاجرت معکوس را تشدید می‌کند

■ سجاد مرادی کلارده

رژیم‌صهیونیسـتی کـه از منظـر جمعیتـی ملغمـه‌ای از جمعیت ملل مختلف اسـت که از سوی آژانس‌های صهیونیستی با سکونت در پهنه سرزمینی فلسطین گردآوری شده، بعد از عملیات طوفان‌الاقصی با مهاجرت معکوس روبه‌رو شده است. تنها به فاصله چند روز بعد از آغاز عملیات، ارتش رژیم‌صهیونیستی اذعان کرد از زمان آغاز این عملیات، حدود ۵۰۰هزار نفر از شهرک‌های خود نقل مکان کرده و جابه‌جا شـده‌اند. به طور کلی یکی از پایه‌های شکل‌گیری این رژیم را فراهم کردن شرایط مهاجرت ساکنان دیگر سرزمین‌ها به سرزمین‌های اشغالی تشکیل داده است. فرایند شکل‌گیری و تقویت صهیونیسم در این پهنه، بر اساس دو اصل اساسی اشغال اراضی فلسطینیان و مهاجرت دادن یهودیان اسـتوار است، بنابراین کاهش میانگین مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی و در کنار آن افزایش روند مهاجرت معکوس، زنگ خطر این رژیم را به صدا درآورده است.

■ **نگاهی به آمار و ارقام**

مهاجـرت یهودیان به سـرزمین‌های اشـغالی سنگ‌بنای اندیشه صهیونیسم و جنبش ملی یهود بوده و عامل اساسی ادامه موجودیت این رژیم، باقی ماندن جمعیت یهود در منطقه است. مسئله‌ای که وجود دارد این است که این رژیم تا قبل از عملیات هفتم اکتبر، به صورت دائم یهودیان ساکن در سایر کشـورها را به مهاجرت به این سرزمین تشویق می‌کرد، حتی بسیاری از کارگران مهاجر از آفریقا، چین، رومانی و امریکای‌جنوبی به سرزمین‌های اشغالی نقل مکان کرده‌اند.

آن گونه که آمار منتشره سـازمان مرکزی آمار رژیم اشغالگر نشان می‌دهد ۷۵درصد جمعیت آن یهودیان هستند، حدود ۲۰درصد را عرب‌ها و باقی مانده را قومیت‌ها و مذاهب دیگر تشکیل داده است. رژیم‌صهیونیستی بر مبنای «قانون بازگشت» که از ابتدای تشکیل در سال ۱۹۴۸ بر آن حاکم است، به همه یهودیان و یهودی‌تبارها حق شهروندی داده است. حدود ۷۳درصد ساکنان این سرزمین متولد فلسطین هستند. در حالی که ۱۸درصد مهاجران از امریکای‌شمالی، اروپا و تقریباً ۹درصد از آفریقا و آسیا هستند. در عین حال در چند دهه اخیر بخش عمده مهاجران جدید این سرزمین نیز عمدتاً از روسیه و کشورهای در حال توسعه مانند اروپای شرقی بوده‌اند.

به رغم این، بسیاری از ساکنان این سرزمین در طول حدود دو دهه اخیر مهاجـرت را به ماندن ترجیح داده‌اند. آغاز مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین‌های اشغالی از سال ۲۰۰۴ بود که بیشتر از ۱۶۵هزار نفر سـرزمین اشغالی را ترک کردند. بیشتر این افراد پزشکان، مهندسان، متخصصان و دانشمندانی بودند که دنبال فرصت کاری بهتر و پردرآمدتر در کشورهای اروپایی یا امریکا بودند. در سال ۲۰۰۷ مهاجرت معکوس، شدت بیشتری پیدا کرد و یهودیان به سوی روسـیه، اوکراین و سایر جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق مهاجرت کردند. آمارها نشـان می‌دهد میل مهاجرت در میان سـاکنان رژیم که خارج از سـرزمین‌های اشغالی متولد شـده‌اند، بالاست و این افراد اغلب ترجیح می‌دهند یا به کشـور خود برگردند یا به دیگر کشورهای غربی مهاجرت کنند. طبق آمار منتشرشده از سـوی اداره آمار رژیم اشغالگر در سال‌های ۱۹۴۸ تا پایان ۲۰۱۵ بیش از ۷۲۰هزار نفر از یهودیان که به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده بودنـد، از این منطقه خـارج و دیگر به آن بازنگشـتند. در سـال ۲۰۱۵ با توجه به حملات تروریستی در فرانسه بیش از ۸هزار یهودی از این کشور به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند، با این حال بعدها اعلام شد که حدود ۱۵ تا ۳۰درصد از آنها نیز مجدداً به فرانسه بازگشت نکرده‌اند.

آمار منتشر شده نشان داده اسـت حدود نیمی از مهاجران از فلسـطین اشـغالی، متولدان این سـرزمین بوده‌انـد، در حالی که نیمـی دیگر از یهودیان در خارج از آن به دنیا آمده بودند. بیشتر کسانی که این رژیم را ترک می‌کنند، جوانان و قشر دانشگاهی هستند که بیشتر در کشورهای آلمان، کانادا، استرالیا و امریکا به دنبال فرصت‌های شغلی و تحصیلی می‌گردند.

■ **اثر جنگ‌ها**

این مهاجرت‌هـا از دلایل عدیـده‌ای برخوردار است که بحران هویت ملی، شکاف‌های مذهبی و نژادی، بحـران اقتصادی و درآمـدی و بحران امنیت از آن جمله اسـت. یک بخش از مهاجرت معکوس رژیم به دلیل بی‌ثباتی‌هایی است که در یک سال گذشته به دلیل تحولات داخلی رژیم و اعتراض‌ها علیه نتانیاهو رقم خورده است. بخش دیگر مربوط به خـوی جنگ‌طلبی رژیم و قدرت گرفتن جنبش‌هـای مقاومت در منطقه اسـت. رژیم‌صهیونیستی سعی کرده است با نصب سپر دفاعی موشکی در این سرزمین، آن را برای سراسر یهودیان امن‌ترین سرزمین جلوه دهد، اما با ناکام ماندن این پروژه و اصابت موشـک‌های حماس و حزب‌الله به شهرک‌های صهیونیست‌نشین، موج مهاجرت معکوس شدت بیشتری گرفته است.

> در جنگ ۵۱روزه غزه، حماس برای نخستین بار از موشک‌هایی با برد بیش از ۱۰۰کیلومتر اسـتفاده کرد و آسیب‌پذیری قدرت بازدارندگی رژیم را نشان داد. بعد از این جنگ نتایج نظرسنجی تلویزیون رژیم نشـان داد ۳۰درصـد از یهودیان به مهاجـرت فکر می‌کننـد. بعد از عملیـات طوفان‌الاقصـی نیـز میزان مهاجرت از سـرزمین‌های اشـغالی افزایـش یافتـه اسـت

جنـگ ۳۳روزه در سـال ۲۰۰۶، نحـوه نگرش شهرک‌نشـینان به امنیت داخلی را تغییر داد و خود به یکی از دلایل اصلـی مهاجرت معکوس تبدیل شد. جنگ هشت روزه با حماس نیز سبب شد صهیونیست‌ها نسـبت به برقراری امنیت در مناطق اشغالی بیش از گذشـته تردید کنند. در جنگ ۵۱روزه غزه، حماس برای نخستین بار از موشک‌هایی با برد بیش از ۱۰۰کیلومتر استفاده کرد و آسـیب‌پذیری قـدرت بازدارندگی رژیم را نشـان داد. بعد از این جنگ نتایج نظرسنجی تلویزیون رژیم نشـان داد ۳۰درصد از یهودیان به مهاجـرت فکر می‌کننـد. بعـد از عملیات طوفان‌الاقصی نیز میزان مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی افزایش یافته است و بسیاری از ساکنان در پی کشورهای اروپایی هستند. در بین کشورهای اروپایـی، پرتغال، آلمان و فرانسـه با بیشـترین استقبال مهاجران روبه‌رو شده و درخواست‌های گروهی نیز به منظور مهاجرت افزایش یافته، حتی دفتر اتحادیه اروپا در تل‌آویو اذعان کرده اسـت تعداد افراد جدیدی که مایل بـه دریافت ملیت کشورهای اتحادیه هستند، افزایش یافته است. دفاتر مسـافرتی و مهاجرت نیز تمایل مهاجران در ازای اینکه در قبال سـرمایه‌گذاری پاسپورت خارجی دریافت کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این امر با پیامدها و تبعات مختلفی نیز برای رژیم همراه است. نتایج و تبعات منفی ناشی از مهاجرت معکوس عرصه‌های اقتصـادی، علمی و امنیتی نظامی را شامل می‌شود. صهیونیسم سیاست‌های خود را از زمان ورود نخستین مهاجران یهودی به اسرائیل تاچندین سال گذشته بر پایه نظامی‌گری و خشونت اسـتوار کرده اسـت. اساس پیشرفت ارتش در مراحل گوناگـون و تقویت آن از طریق جذب نیروهـای تازه‌نفس، ارتبـاط تنگاتنگی با روند مهاجرت یهودیان دارد، از همین رو، جمعیت عامل مهمی برای قدرتمندی نیروهای مسلح رژیم است. برای رژیم اشغالگر که دائماً خود را در معرض تهدید مقاومت می‌بیند، جمعیت بالای نیروهای مسلح اصلی مهم است.

این رژیم در یک جنگ طولانی‌مدت و فرسایشی نمی‌توانـد از بسـیج مردمی بهره ببـرد، چراکه جمعیـت کـم، بخش‌هـای عمـده و مختلف را فلج خواهد کـرد. برتری امنیتـی و اطلاعاتی رژیم نیز تـا حدود زیادی به برتـری آن در حوزه تکنولوژی‌های پیشـرفته بسـتگی دارد و از این حیث رژیم‌صهیونیستی دومین قدرت تولیدکننده هواپیماهای بدون‌سرنشین به شمار می‌آید و این رژیم با استفاده از فناوری‌های مدرن توانسته است چندین نسل از این هواپیماها را بهینه‌سازی کند. در مجموع به نظر می‌رسد مهاجرت معکوس در رژیم‌صهیونیستی که بعد از طوفان‌الاقصی تقویت شده بازتاب منفی گسترده‌ای بر سایر حوزه‌های آن از جملـه در حوزه‌های امنیتـی و اطلاعاتی دارد و دسـتمایه عمده‌ای بـرای نگرانی مقامات صهیونیست است.